

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی
۱۲ جولای ۲۰۱۸

مصاحبه کانال بذرهای ماندگار با رفیق اشرف دهقانی در مورد رویداد های اخیر کازرون

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: با درود به شنوندگان عزیز کانال بذر های ماندگار. همانطور که می دانید در روز های اخیر آتش خشم و نفرت بحق مردم محروم و به جان آمده ما ، یک بار دیگر و این بار در شهر کازرون شعله ور شد و این شهر به صحنه شورش قهر آمیز مردم دلاور کازرون علیه ظلم و ستم و سرکوب جمهوری اسلامی بدل شد. در همین رابطه فرصتی پیش آمده تا با رفیق اشرف دهقانی مصاحبه کوتاهی در مورد رویداد های اخیر کازرون داشته باشیم. توجه تان را به این مصاحبه جلب می کنیم.

پرسشگر: رفیق اشرف با درود و سپاس از فرصتی که برای این مصاحبه در اختیار کانال بذر های ماندگار گذاشتید. روشنیه که رویدادی به بزرگی خیزش مردم کازرون ، پرسش های گوناگونی را بوجود می آورد اما با توجه به محدودیت های این گونه مصاحبه ها در این فرصت تنها چند پرسش را در این رابطه با شما در میان می گذاریم. اولین پرسش اینیه که گفته می شه که خیزش اعتراضی اخیر توده ها در کازرون که توسط جمهوری اسلامی به خون کشیده شد ، صرفا به دلیل نارضایتی مردم این شهر از طرح تقسیم بندی شهر کازرون توسط مقامات حکومت به وقوع پیوسته؛ این را البته بیشتر رسانه های خارجی تبلیغ می کنند. سؤال اینیه که آیا واقعا مردم به خاطر تقسیم شدن یا نشدن شهر حاضر شدند چند روز جلوی گلوله های رژیم بایستند و سینه سپر کنند. مگر از تقسیم نشدن شهر چه منافع مادی نصیب مردم کازرون می شه؟

اشرف دهقانی: با درود به شنوندگان عزیز کانال بذر های ماندگار و سپاس از شما. در مورد رسانه های خارجی که گفتید بذارید اول اینو بگم که اونها سعی می کنن که با نقد گوشه هائی از واقعیت جمهوری اسلامی، خودشون را دوست مردم جلوه بدهند - که البته این طور نیست. این رسانه ها، دلیل تظاهرات خیابانی مردم را، مردم ستمدیده کازرون را، این طور جلوه دادند که انگار همه مسأله سر این بوده که مردم به تقسیم شهر اعتراض دارند. اما، درسته که طرح تقسیم شهر کازرون، اولین موضوعی بود که باعث شد مردم بیان به خیابان ، ولی واقعیت اینیه که این به اصطلاح ظاهر مسأله بود. ما باید یک مسأله ای رو در نظر بگیریم که بعد از اینکه این تظاهرات و قیام های توده ای دی ماه در سال ۹۶ اتفاق افتاد ، دیگه شرایط خاصی توی جامعه بوجود آمده ، یعنی بعد از آن قیام ها و بعد از اون شعار هائی که مردم

دادند و قهرمانی هائی که مردم در تظاهرات از خودشان نشان دادند ، دیگه الان هیچکس نمی تونه انکار بکنه که مردم سراسر ایران خواهان نابودی این جمهوری اسلامی هستند. حالا، وقتی جنبش دیمه از اوجش افتاد و مأموران یا مزدوران به واقع رژیم در همه جا به وحشیانه ترین شکلی به سرکوب مردم می پردازند، همیشه انتظار داشت که مردم، همین که اومدن به خیابان همان شعارهای دیمه را تکرار بکنند و بگویند که مرگ بر جمهوری اسلامی و نان و کار و آزادی. معلومه که توی همچنین شرایطی یا باید با خواست های کاملاً مشخصشون بیایند به صحنه مثل کشاورزان اصفهان یا خلق عرب در اهواز و یا یک چیزی رو بهانه بکنند و بریزند به خیابان. خود این نمونه ها البته خودش نشون می ده که قیام دیمه تداوم داره. آمدن مردم کازرون هم به صحنه سیاسی، یک نمونه دیگه ای که تداوم قیام دی ماه را نشان می ده. منتها شکل آمدن این توده ها به این شکل ممکنه که برداشتهائی را بوجود بیاره. ولی مساله اینه که اونها از تضاد و شکافی که بین امام جمعه، امام جمعه کازرون با نماینده این شهر، وجود داشت اومدن به نفع خودشون از اون تضاد استفاده کردند. من در همین مورد خیلی مختصر اشاره بکنم که به اصطلاح نماینده کازرون، مساله اش اینه که با جدا کردن بخشی از کازرون و به وجود آوردن یک شهر جدید، یک بودجه خاصی از دولت بگیره و تحت نام اینکه داره شهر سازی می کنه برای سرمایه دارها که البته سرمایه دارهائی که روی زمین کار می کنند، همان بساز و بفروش ها برای اونها یک امکانی بوجود بیاره که بیایند اونجا ، سرمایه گذاری بکنند و همین طور دور و بر اونها هم که دلال ها مختلفی هست برای اونها به واقع یک امکانی بوجود می آید. خوب البته وقتی که اونها آمدند و سرمایه گذاری کردند ، مسلمنه که به اصطلاح سهمی هم به همین نماینده خواهند داد. خوب حالا چرا امام جمعه مخالفه با تقسیم شهر؟ چون تقسیم شهر باعث می شه که از بودجه قبلی که به دست امام جمعه و به اصطلاح دست اندرکاران فعلی کازرون می رسه تا حالا، خوب از اون کم می شه، و کلاً به درآمد اینها لطمه وارد می شه. این اصل به اصطلاح تضادیه که اینجا بین امام جمعه و نماینده کازرون وجود داره. اینو هم ما باید بدونیم که بخش هائی از شهر را که به اصطلاح قراره که جدا بشه ، یا به هر حال نماینده قصد داره اونها را جدا بکنه ، اونها بیشتر لُر نشین هستند. یعنی بیشتر لُر ها ، اونجا زندگی می کنند. که البته با فقر و گرسنگی و ذلت دارند روزگار می گذرونند و از خدمات شهری هم واقعیت اینه که محروم هستند. اما مساله اینه که اگر هم کازرون تقسیم بشه و شهر جدیدی بوجود بیاید درسته که به هر حال یک سری خدمات شهری آنجا بوجود می آید ولی از فقر و بدبختی مردم ، ذره ای هم کم نمی شه، تازه در شهر جدید، خوب وقتی که شهر سازی شد و ساختمان های جدید بوجود آمد و وضع جدید پیش آمد اجاره خونه ها بالا می ره و به همین ترتیب قیمت کالا های دیگر بالا می ره و این هم خودش یک فشاری است روی همین طبقات پائین و در نتیجه وضع مردم تهی دست حتی ممکنه بدتر هم بشه. پس اگر به مسائل ، به این شکل نگاه بکنیم می بینیم که واقعا سود اصلی ایجاد شهر جدید مستقیماً می ره به جیب سرمایه داران و ایادی حکومت.

خب، حالا برگردیم به مساله کازرون و مسائلی که پیش اومده می دونیم که مردم کازرون تحت عنوان اعتراض به تقسیم شهر، اومدن به میدان مبارزه سیاسی با رژیم. معلومه که در اول کار امام جمعه و افراد ضد انقلابی دیگه و سرمایه دار هم آمده بودند کنار مردم و واضح هم هستش که این دسته می خواستند که از حضور مردم به نفع خودشون استفاده بکنند. و همانها هم بودند که سعی می کردند که شعارهای مردم را در حد اعتراض به تقسیم شهر نگه بدارند و نگذارند هویت طبقاتی پیدا بکند. سعی می کردن بیشتر هویت مثلاً شهری پیدا بکند این شعار ها و اعتراضات مردم. ولی چون مساله مردم به چیز دیگه بود. همین که اعتراضات به کم جلو رفت، دیگه کنترل از دست نیروهای مرتجع خارج شد. بعد ما دیدیم که مردم مبارز کازرون، مردمی که واقعا از ظلم و ستم های این رژیم وابسته به امپریالیسم واقعاً، جونشون به لب رسیده، رفتند صحن نماز جمعه را اشغال کردند و اعتنائی هم به اون امام جمعه نکردند و بعد یک شعار پر

محتوای دادند که (ای لشکر "ناصر دیوان" آماده باش، آماده باش). خوب ناصر دیوان یک رهبر انقلابی کازرونی در زمان جنگ جهانی اول بود که توده های اون منطقه را علیه امپریالیسم انگلیس متشکل کرد و با اونها جنگید. می دونید که اون زمان یک قرارداد استعماری بوجود آمده بود، در سال ۱۹۰۷ که طبق اون امپریالیسم انگلیس جنوب ایران را تحت اشغال خودش در آورده بود و ناصر دیوان برای آزادی و استقلال ایران می جنگید. خُب این توده های الان کازرونی، حالا اگر کارهای دیگه شون را که کارهای واقعا قهرمانانه ای کردند، تازه اونها را هم در نظر بگیریم و فقط همین شعار را روش تکیه بکنیم، می بینیم که الهام بخش مبارزات اونا نه اینکه امام جمعه یا فلان سرمایه دار باشه، بلکه یک فرد آزادیخواه و مترقی و یک جنبش ملی و ضد امپریالیسته و این مردم مبارز کازرون هم نشون دادند که واقعا برای آزادی، استقلال و دستیابی به یک زندگی سعادتمند، دارند با جمهوری اسلامی می جنگند.

پرسش: ما البته در گذشته هم در برخی نقاط ایران شاهد اختلاف و تضاد بین مثلا امام جمعه و نماینده این یا آن منطقه رژیم در مجلس هم بودیم و حتی همان موقع ها هم در برخی جاها مثل قزوین اگر یادتون باشه، موقع استان شدنش، مردم از تضاد این عناصر ضد انقلابی استفاده می کردند و علیه رژیم، دست به مبارزه می زدند ولی روحیه تعرضی ای که مردم کازرون در جریان این حرکت نشان می دن و از طرف دیگر هم شدت و عمق اعتراضات، واکنش رژیم هیچ وقت به این صورت سابقه نداشته. در این مورد چه نظری دارید؟

پاسخ: اولاً جامعه ایران امروز در یک دوره انقلابی بسر می بره و در نتیجه چه حرکت توده ها و چه برخورد رژیم در این شرایط خاص سرنوشت ساز، با دوره های آرام از هر لحاظ فرق داره. ولی حالا بطور مشخص، ببینید در علم فیزیک می گن هر گُنش، واکنشی داره که مساوی آن گُنشه. خوب این انرژی و پتانسیل انقلابی که ما در مردم کازرون می بینیم، واکنشی است که این مردم، یعنی کارگران و زحمتکشان و سایر توده های در بند این شهر در مقابل گُنش یا عملکرد های چهل سال حاکمیت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی دارند از خودشون نشان می دن. این همه نترسی در مقابل نیروهای واقعا وحشی جمهوری اسلامی و اون شجاعت ها و مقاومت های سلحشورانه به واقع از خشم و نفرت عمیقی سرچشمه می گیرد که این مردم نسبت به سرمایه داران و رژیم حامی اونها دارند. این واکنشیه به چهل سال تحمیل فقر و گرسنگی و بیکاری و سرکوب و اختناق و انواع ظلم ها و ستم ها که از طرف سرمایه داران و جمهوری اسلامی به مردم وارد می شه که البته خُب خود همین واقعیت هم نشان می ده که ستم دیدگان کازرون وقتی که آمدند توی میدان، به واقع از تضاد بین بالائی ها استفاده کردند که بتونند مبارزه شون را علیه کل رژیم به پیش ببرند. حالا جالبه که اتفاقا همین را، همین موضوع که گفتیم را خود دشمن هم متوجه بود. مثلا یک جا که ویدئوش هم منتشر شده یکی از روسای نیروی انتظامی برای اینکه بتونه مردم را پراکنده بکنه که تجمع کرده بودند با بلندگو می گه که در جمهوری اسلامی تجمع کردن غیر قانونیه و دشمن - دشمن منظورش توده های ستمدیده کازرون اند - می گه دشمن از این تجمع به نفع خودش استفاده خواهد کرد. خلاصه این که ظلم و ستم و دیکتاتوری در جامعه تحت سلطه ما واقعا یک انبار باروت بوجود آورده که کافیه که مردم در یک گوشه ای از کشور حالا هر جا می خواهد باشد به یک بهانه ای یا به خاطر یک خواست مشخصی بیايند به صحنه مبارزه، در همان جا ما می بینیم که یک انفجاری به وقوع می پیونده. و این واقعیتیته که ما امروز در این شرایط باش مواجه ایم.

پرسش: خوب. حالا سؤال بعدی رفیق اشرف. چرا رژیم با توجه به همه بحرانهای داخلی و خارجی خودش و با توجه به آگاهی اش از شدت خشم و نفرت مردم ما نسبت به نظام موجود، پیش از حدت یابی این اعتراض و برای این که کار به اینجا ها نکشد، عقب نشینی نکرد و یا از آن "نرمش های" به اصطلاح قهرمانانه از خودش نشان نداد؟ البته وقتی

این سؤال را می‌کنیم می‌دانیم که بعد از این که مردم دلیر کازرون با اعمال انقلابی شان علیه رژیم و نیروهای مسلحش، یکبار دیگه نظر و رای واقعی خودشون را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی و درجه مقاومت و عزم شونو به نمایش گذاشتند و چنان بلاهایی به سر جمهوری اسلامی آوردند که در اخبار و گزارشات منتشره دیدیم، وزارت کشور بالاخره مجبور شد ظاهراً و موقتاً هم که شده طرح تقسیم شهر رو مسکوت بگذاره.

پاسخ: اگر صریح بگم. پاسخ اینه که سران جمهوری اسلامی بهتر از هر کس دیگه می‌دونند که بنیان رژیمشان کاملاً متزلزل شده و مرگشان فرا رسیده. ولی خوب نمی‌خواهند به این واقعیت پیش مردم اعتراف بکنند و می‌خواهند که خودشون را، تازه قدر قدرت هم جلوه بدهند. حالا در مورد کازرون صرف نظر از اینکه برای رژیم آسون نبود که بیاید و تصمیمشو برای تقسیم شهر، عوض بکنه، چون یک سری تضادها و منفعت‌هایی به هر حال اینجا عمل می‌کنه؛ این مساله هم مطرح بود که فکر می‌کرد که اگر عقب نشینی بکنه، این به حساب ضعف رژیم گذاشته می‌شه. کلاً هم برخی از مقامات همین رژیم همیشه هشدار می‌دهند که اگر رژیم در مقابل برخی از خواست‌های مردم کوتاه بیاید، ممکنه مثل اواخر دوره شاه در سد دیکتاتوری اون‌ها شکاف ایجاد بشه و می‌ترسند که مردم از این شکاف و فضا استفاده بکنند برای سرنگونی همین رژیم. به این خاطره که سران جمهوری اسلامی همیشه سعی می‌کنند که در مقابل مردم به اصطلاح اون "نرمش قهرمانانه" را که خودشون گفتند در مقابل امپریالیستها اون را نشون ندهند. بلکه همیشه سعی می‌کنند که با زورگوئی و سرکوب کارشون را پیش ببرند. ولی خوب دیدیم که مبارزان دلاور کازرونی، این رژیم را حسابی در مخمصه گذاشتند. چون رژیم از یک طرف از شدت خشم و نفرت مردم نسبت به خودش آگاه و می‌دوند که مساله این مردم صرفاً تقسیم بندی این شهر نیستش و به همین خاطر هم می‌ترسید که با عقب نشینی روحیه انقلابی مردم را بیره بالا و اون‌ها را بیشتر جری تر بکنه تو مبارزه شان و از طرف دیگه این را هم دیدیم که عدم عقب نشینی هم یعنی به موقع عقب نشینی نکردن هم باعث رزم و نبرد‌های هر چه بیشتر توده‌های ستم‌دیده کازرونی با مزدوران این رژیم شد. که اتفاقاً تأثیر خیلی خیلی خوبی روی مردم سراسر ایران به جا گذاشت. چون به خاطر اون دلاوری‌هایی که مردم از خودشون نشان دادند، عجز و ضعف نیروهای مسلح رژیم در مقابل قدرت توده‌ها به نمایش گذاشته شد. تازه اینو هم باید بدونیم که رژیم با کشتن و زخمی کردن مردم کازرون تضاد شدید تر یعنی در واقع تضادی شدیدی که خود مردم کازرون قبلاً با جمهوری اسلامی داشتند، الان باز هم بیشتر شدید تر شده یعنی با این کشتار، خوب حالا این تضاد مسلماً از یک جایی سر به بیرون خواهد زد و به نوبه خودش زمان سقوط جمهوری اسلامی به زباله دان تاریخ را نزدیک تر خواهد کرد.

پرسش: رفیق اشرف دهقانی، با سپاس مجدد از این فرصتی که در اختیار ما گذاشتید در خاتمه این گفتگو اگر نکته دیگری باقی مانده لطفاً با علاقمندان کانال بذرهای ماندگار در میان بگذارید؟

پاسخ: در فرصتی که باقیه خیلی خلاصه دو مطلب را بگم. یکی اینه که ما باید بدونیم که نیروهای ارتجاعی و سازشکار همیشه سعی می‌کنند که در جنبش‌های توده‌ای، اون جنبش‌هایی که رهبری ندارند و به صورت خود بخودی، خود مردم می‌آیند در صحنه مبارزه، اون نیروهای ارتجاعی دوست دارند که بیایند توش شرکت بکنند و کنترل اون جنبش را به دست خودشون بگیرند. و یا به هر حال به یک شکلی سعی می‌کنند روی اون تأثیر بذارند. مثلاً تو همین جنبش مردم کازرون، این یا اون سرمایه دار و کلاً اون جناحی که مخالف نماینده کازرونه، همان نماینده کازرون در مجلس، اون‌ها سعی می‌کردند که شعارهای جنبش از حد همبستگی شهری نره جلوتر. فراتر از اون نره، و نمی‌گذاشتند که ماهیت طبقاتی این جنبش در شعارها منعکس بشه. ولی خُب، البته دیدیم که مردم مبارز کازرون شعار

های خودشون را دادند. مثلاً شعار دادند "الکی می گن آمریکا، دشمن ما همین جاست". با این شعار که البته می دونید که در جاهای دیگر ایران هم داده شده، نه اینکه مردم آمریکا را تأیید بکنند، بلکه دارند خیلی آشکار به رژیم که به واقع هم دارد الکی همه این سالها شعار ضد آمریکائی داده، می گن که دشمن، خود تو هستی. خوب واضح که این شعار یک فرمی است یعنی شکل پوشیده تر همان شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" و یا "جمهوری اسلامی نمیخواهیم، نمی خواهیم" هستش.

حالا برخی روشنفکران که اغلب هم تحت تأثیر تبلیغات رسانه های ارتجاعی هستند همین که عناصر ضد انقلاب را می بینند که در یک جنبش توده ای هستند، نتیجه می گیرند که پس ماهیت اون جنبش ارتجاعیه. در مورد اتفاقا کازرون هم شنیدم که می گویند فلان سرمایه دار یا امام جمعه در این جنبش بوده، پس جنبش کازرون قابل دفاع نیستش. خوب این قبیل روشنفکران، متوجه نیستند که بین حرکت روشنفکران با توده ها فرق وجود داره. اگر روشنفکران، اول مسائل را در تئوری و در ذهنشان تجزیه و تحلیل می کنند - حالا کار نداریم درست یا غلط - ولی بعد می آیند و دست می زنند به این یا اون حرکت ولی توده ها اصلاً این طوری نیستند. توده ها وقتی که خودشون می آیند توی صحنه مبارزه، اونها درست به خاطر تحقق خواسته‌هایشون می آیند که اون خواسته ها برحق و انقلابیه و هدفشون هم اینه که وضع ظالمانه ای که وجود داره را تغییر بدهند و اون را به نفع خودشون بکنند، یعنی یک وضعیتی بوجود بیارند که به نفع خودشون باشه. خوب، معلومه که یک همچنین کاری یک همچنین مبارزه ای، مبارزه هست برای پیشرفت، در نتیجه خطا هستش که روشنفکران مترقی وقتی عناصر ضد انقلاب را در یک جنبش خود به خودی توده ای می بینند پا پس بکشند. اتفاقاً اون ها باید بکشند که بدرون اون جنبش برند و سعی بکنند که شعار های درست را تو اون جنبش مطرح بکنند و حتی الامکان سعی بکنند سازماندهی بکنند اون جنبش رو و جهت درستی به اون مبارزات بدهند. حالا تو همین رابطه خوبه که به یک تجربه ای هم من اینجا اشاره بکنم. در سال ۱۳۵۸ وقتی مردم تبریز متوجه شدند که جمهوری اسلامی - که البته اون موقع می دونید که تازه روی کار آمده بود - وقتی که فهمیدند که این یک رژیم ارتجاعیه، درست مثل مردم مبارز کازرون که از شکاف دو جناح ضد انقلابی استفاده کردند، اونها هم از شکافی که بین شریعتمداری به عنوان مرجع تقلید در آذربایجان، با خمینی وجود داشت استفاده کردند و علیه جمهوری اسلامی بیخاستند. ولی رهبران اون زمان سازمانهای سیاسی مهمی که توی صحنه بودند، اونها به خاطر ماهیت سازشکارانه شون، جنبش مردم تبریز علیه خمینی و علیه جمهوری اسلامی رو تأیید نکردند و گفتن که اون جنبش ارتجاعیه. می بینید به نفع حکومت، مبارزه توده های مردم را ارتجاعی خواندند. تنها دلیلی هم که ارائه دادن این بودش که خوب شریعتمداری را ببیند توی این جنبشه، که هوادارانش در این جنبش شرکت دارند. و در نتیجه خب همین را کافی دانستند که بگند که اون جنبش ارتجاعیه. ولی ما دیدیم که تاریخ حکم داد که اون ها اشتباه می کنند و خطا بود کاری که اونها کردند. خب معلومه که صاحبان چنین فکری اصلاً از هیچ جنبش توده ای هم که به اصطلاح خود توده ها بلند شده باشند، حمایت نخواهند کرد. چون در هیچ جای دنیا، هیچ جنبش توده ای بدون رهبری، یعنی خودبخودی وجود نداره که خالص و شسته و رفته باشد.

یک موضوع مهم دیگه که من می خواهم اینجا بگم تأکید می خواهم بکنم بر ضرورت اتحاد مردم. مثلاً در مورد همین کازرون، توده های ستمدیده در این شهر حالا چه لر باشند و چه غیر لر، واقعیت اینه که دشمن مشترکی دارند و اون رژیم جمهوری اسلامی. تحت سلطه این رژیم هم حالا چه کازرون تقسیم بشه و چه نشه، واقعا هیچ مشکلی از توده ها حل نمی شه چون تحت سلطه این رژیم جز فقر و بدبختی و سرکوب و دیکتاتوری چیزی نصیب مردم نمی شه. در نتیجه مردم باید اتحاد خودشونو حفظ بکنند و در اتحاد، با هم علیه رژیم بجنگند. و اساساً مردم در سراسر ایران باید

این کار را بکنند و از مبارزات همدیگه باید حمایت بکنند تا بتوانند برای رسیدن به آزادی علیه دشمن مشترکشان، خودشونو قوی بکنند و مبارزه شونو برای سرنگونی رژیم برای رسیدن به نان کار آزادی پیش ببرند. حالا اجازه بدهید از این فرصت استفاده بکنم و پیامی هم برای کارگران و زحمتکشان آگاه و پیشرو کازرون و همینطور سراسر ایران بدهم ، اینکه اونها باید بکوشند همراه با روشنفکران انقلابی، خودشونو متشکل بکنند یعنی در تشکل های سیاسی - نظامی متشکل بکنند و سعی بکنند که توده ها را سازماندهی بکنند ، یعنی به سازماندهی مسلح توده ها بپردازند و این شکلی کار انقلاب را به پیش ببرند. چون واقعیت اینه که انقلاب ایران تنها و تنها با رهبری طبقه کارگر می تونه به پیروزی برسه. هیچ آلترناتیو دیگری وجود ندارد در نتیجه طبقه کارگر باید راهی پیدا کنه و بره برای کسب قدرت سیاسی و خودش را سعی بکند متشکل بکند.

با آرزوی موفقیت برای همه توده های ستمدیده ایران! موفق باشید.

پرسشگر: ضمن تشکر مجدد از شما رفیق عزیز از وقتی که در اختیار کانال تلگرام بذر های ماندگار چریکهای فدائی خلق ایران گذاشتید. موفق و پیروز باشید.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۲۸ ، خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۷

یادداشت:

چون مصاحبه به زبان گفتار صورت گرفته بود، لذا از ویراستاری آن اجتناب ورزیدیم.

اداره پورتال